

## قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید  
Elnaz.714@gmail.com

## از هرات تا انتهای کهریزک

**شهروند**صبح جمعه‌است و شلوغی و رفت‌وآمد سریع مسافران مترو خبری نیست، البته تعداد دستفروش‌ها هم کم است و ایستگاه‌های مترو جمعه را در سکوتی خوشایند پشت‌سر می‌گذارند. وقتی در متروها باز می‌شود از همه‌همه و هجوم مسافران خبری نیست و مسافران هراز گاهی هم در عالم خود سیر می‌کنند و از سکوت داخل مترو لذت می‌برند؛ اتفاقی که تنها نصیب مسافران روزهای تعطیل می‌شود، البته قاسم با صدای زیرش این سکوت را برای دقایقی به هم می‌زند و از بی‌حوصلگی مسافران متوجه می‌شود که آن‌بنیاب‌هایش خریداری ندارند. قدوقوارش به پسر بچه‌های ۷-۸ساله می‌خورد، اما خودش می‌گوید ۱۱ سال دارد و کلاس پنجم است. دو برادر بزرگتر و یک خواهر کوچکتر از خود دارد و همگی مدرسه می‌روند و تنها روزهای پنجشنبه و جمعه سر کار می‌روند تا کمک خرج پدر باشند. از پدرش که می‌پرسی، غرور خاصی را می‌توان در چشمانش دید و بالبخندی به پهنای صورتش می‌گوید: «پدرم بنا است، کارش را خوب بلد است و هر کسی کار بنایی دارد نخستین کسی که به دهش می‌رسد پدر من است. خیلی خوب است پدر آدم حرفه‌ای را بلد باشد چون می‌تواند به دوستانش پُرش را بدهد. بعضی وقت‌ها با پدرم سر کار می‌روم، البته روزهایی که مدرسه نداشته باشم چون پدرم تأکید می‌کند نخستین و آخرین کار ما درس خواندن است و در این مورد خیلی سختگیر است.» قاسم و خواهر و برادرهایش این صحبت پدر را به گوش دارند که تنها با درس خواندن، می‌توانید برای خودتان کسی شوید. زبپ کاپشن کوتاه‌اش را از سر سلطنت بالا و پایین می‌کشد. «این کاپشنم را مادرم برایم خرید. خودم قهوه‌ای انتخاب کردم تا دیر تر کثیف شود و مادرم مجبور نشود روبه‌زود بشوید. برادرهایم هم سرمایه‌اش را انتخاب کردند. گرم است و نمی‌گذاردم سرما بخوریم.» قاسم به رسم پدر و پدربزرگ‌هایش کار بیرون از خانه را براننده زنان و دختران نمی‌داند و وقتی در مورد خواهر و مادرش می‌پرسی می‌گوید: «خواهرم مدرسه می‌رود و در خانه به مادرم کمک می‌کند و مادرم هم در خانه است. مگر زن‌ها باید کار کنند؟» این سوال را با تعجب می‌پرسد و ادامه می‌دهد: «کار زنان در خانه است و بیرون از خانه کار کردن و پول درآوردن وظیفه مردان است.» قاسم و برادرهایش همه در آمدنشان را به پدر می‌دهند اگرچه پدرشان گفته درآمدشان برای خودشان است. «پدرم می‌گوید هر درآمدی که دارید برای خودتان است، اما ما همه پول مان را می‌دهیم به پدرم چون بنا است و بعضی از روزها کار ندارد.» قاسم خاطره‌ای از هرات ندارد چون زمانی که زارون زندگی را جمع کردند تاراهی تهران شوند تنها سه سال داشت، اما برادرهایش چیزهایی از هرات برایش تعریف می‌کنند و خاطراتی که قاسم به یاد ندارد را از کودکی‌اش می‌گویند. «من سه‌سال بیشتر ندانستم که پدرم تصمیم گرفت می‌باید تهران. مادرم مراد نامی چون تمام خانواده‌اش افغانستان هستند و می‌دانست اگر بیدار تهران دیگر آنها را نخواهد دید، اما چون پدرم تصمیم گرفته بود او هم حرفی نزد و این شد که آمدیم تهران. من از آن روزها چیزی به یاد ندارم و همه خاطراتم به تهران برمی‌گردد.» عموی قاسم از آن دست افغانستانی‌هایی است که خیلی زود برای پیدا کردن کار آمد تهران و همین‌جا ماند و دوستان و آشنایان را ترغیب می‌کرد برای کار بیابند ایران. «پدرم در افغانستان کارگری می‌کرده و درآمد خوبی نداشته و عمویم از پدرم خواست تا بیایم تهران. پدرم می‌گوید: «سالی اولی است که آمده بودیم کار و کاسبی خوب بود و از آمدن مان ارضی بودیم، اما حالا کمی وضع فرق کرده و کاری هم نمی‌شود کرد.» بیشتر دوستان و فامیل قاسم در کهریزک زندگی می‌کنند و آنها هم آن‌جا هستند تا در کنار فامیل باشند. وقتی از او می‌پرستی کجای کهریزک می‌گویی: «نه ته کهریزک، خیلی دور است از آن‌جا سوار مترو می‌شوم و می‌آیم سر کار، البته تنها نمی‌آیم با برادرهایم می‌آیم. الان آنها در ایستگاه پانزده خرداد هستند و یکی دیگرشان در ایستگاه دروازه دولت. هر سه ما آن‌بنیاب می‌فروشم. البته قبلا آدامس و دستمال کاغذی هم فروخته‌ایم. می‌رویم بازار و بار سه یک جنس می‌خریم و می‌آوریم می‌فروشیم و بار می‌رویم بازار و جنس دیگری می‌آوریم. هر چیزی که خوب فروش برود، می‌آوریم.» قاسم وقتی در مورد کار و کاسبی خود و برادرهایش حرف می‌زند با انگشتان کوچکش بازی می‌کند. «قرار نیست همیشه در مترو جنس بفروشم. من می‌خواهم پلیس شوم و آدم‌های خلافکار را بگیرم. پلیس باهوش و زرنگ مثل همان‌ها که در فیلم‌های بنیم، پلیس‌هایی که همه از آنها می‌ترسند. برادر بزرگم خیلی خوب فوتیبال بازی می‌کند و می‌خواهد در آینده فوتبالیست شود و با فوتبالیست‌های معروف بازی کند. یکی از برادرهایم هم دوست دارد آتش نشان شود و جان بچه‌ها و مادرهایی که در آتش گیر افتاده‌اند را نجات بدهد. او خیلی نترس است و می‌تواند آتش نشان خوبی شود.»

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

## ۱۰۰ میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض فرسایش

رئیس مرکز جنگل‌های خارج از شمال سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌گوید «۱۰ میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض فرسایش قرار دارند که چرای بی‌رویه دام یکی از عوامل آن است. به گزارش «پسنا»، فریبز غیبی در این باره گفت: «در سنوات گذشته ۱۵۰ میلیارد تومان داشتیم، اما خوشبختانه اسامال اعتبارات افزایش یافته و ۲۰۰ میلیون دلار از اعتبارات صندوق ملی به بحث آبخیزداری و آبخوانداری در کشور اختصاص یافته است.» او با اشاره به اختصاص ۷۰۰ میلیارد تومان به طرح‌های حوزه آبخیزداری در کشور ادامه داد: «این اعتبار در ۹۶ حوزه آبخیز صرف می‌شود و در کنار آن در ۸۴۶ نقطه هم فعالیت‌های مکانیکی و بیولوژیکی انجام می‌شود.»

## گزارشی از چرایی موافقت و مخالفت با دادن دو هزار مجوز برای شکار پرندگان تهران

# پرندگان کشته می‌شوند تا شکارچیان لذت ببرند؟

◀ **مدیرکل حفاظت و مدیریت صید و شکار سازمان محیط زیست در گفت‌وگو با «شهروند»:** صدور مجوز شکار در تهران خارج از قوانین نبوده است. ما برای تحقق بخشیدن به قوانین کنوانسیون‌ها مجوز شکار پرندگان مهاجر را به استان‌ها صادر کرده‌ایم تا مردم بومی را در امر حفاظت از گونه‌ها حساس کنیم

◀ **ماون محیط طبیعی سازمان محیط زیست:** قیمت پروانه شکار برای شکارچیان داخلی ۱۰درصد قیمتی است که به خارجی‌ها فروخته می‌شود. ۲۰درصد پروانه شکار به جوامع محلی اختصاص می‌یابد که قیمت آن حدود ۶۰۰ هزار تا یک میلیون تومان است، بنابراین در این سازوکار سعی کردیم منافع شکار نصیب شکارچیان جوامع محلی نیز شود



”

## جای مطالعات کارشناسی خالی است

یکی از راهکارهای کمک به محیط زیست باشد. اما هدف از نوشتن این یادداشت یادآوری این نکته است که سازمان حفاظت محیط زیست باید نقشه راهی برای شکار قانونی داشته باشد که بر مبنای سرشماری دقیق وحوش و پرندگان منطقه تهیه شده باشد که به نظر می‌رسد صدور مجوز شکار پرندگان در تهران بدون هیچ مطالعه کارشناسی اتفاق افتاده است و طبق گفته کارشناسان منطقه توان پذیرش این حجم از شکار را ندارد و از ضایع‌ترین شکارچیان و صادر نشدن مجوز شکار پس از سال‌ها نمی‌تواند توجیه مناسبی برای این موضوع باشد. بنابراین از مسئولان انتظار می‌رود با دعوت از کارشناسان، سرشماری دقیق وحوش و پرندگان و همچنین حمایت از سمن‌های فعال در این حوزه تصمیماتی دقیق‌تر و عملی‌تر برای این قبیل موضوعات بگیرند.

پرام جعفری، دبیر سمن‌های ایران در خبرخواندیم که دو هزار مجوز شکار پرندگان در استان تهران صادر شده است؛ خبری که شاید باعث شگفتی بسیاری زیادی برای فعالان محیط زیست شده است، زیرا دلیل قطع پروانه‌های شکار در کشور وضع نگران‌کننده اغلب گونه‌های جانوری اعلام شده بود و این امر به این دلیل اتفاق افتاد که حیات وحش فرصتی برای بازسازی و ترمیم خود داشته باشد. شکار قانونی به‌عنوان عامل مخرب زیستگاه و حیات وحش شناخته نمی‌شود و حتی به‌عنوان یک عمل مفید می‌تواند فوایدی نیز داشته باشد و در کنار کمک به حفظ توازن طبیعت باعث رونق اقتصاد گردشگری و تفریحی شکار و ... شود. از منظر دیگر، در آمار ما داشتیم که روزانه تعداد بالایی شکار غیر قانونی در کشور کشف می‌شود که نشان‌دهنده این موضوع است که قانونمندان هدفمندتر کردن شکار می‌تواند

جغرافیای تهران قابل رویست؟ تهران یک رودخانه‌شور دارد که از رباط کریم شروع و از فرودگاه امام‌دمی شود و حوضه‌ای بزرگ می‌شود دریاچه نمک که در حال حاضر تنها فاضلی از آن باقی مانده است و تنه‌رودخانه بقی‌مانده از پنج رودخانه دریاچه نمک است. این رودخانه تنها بستگه پرندگان مهاجر آبی‌زی تهران است و با صدور مجوزهای شکار در حال حاضر صفی از شکارچیان را می‌شود در این کنار این رودخانه دید.»

### همه چیز قانونی است

علی تیموری، مدیرکل حفاظت و مدیریت صید و شکار سازمان حفاظت محیط زیست توضیحاتی در این باره دارد. او به «شهروند» می‌گوید: «در حدود پنج سال گذشته، هیچ مجوزی برای شکار پرنده صادر نشده و تعداد زیادی برای دریافت پروانه شکار به محیط زیست مراجعه می‌کردند که ادارات محیط زیست استان‌ها یا بدطبق مصوبات و قواعد شورای عالی محیط زیست اقدامات مربوط به صدور مجوز شکار را انجام دهند. ما می‌توانیم روی دستورالعمل تهیه‌شده از سوی ادارات کل استان‌ها نظارت داشته

**محمد علی یکتانیت، پرنده‌شناس:** شکارچیان بر مبنای این مجوزها می‌توانند هر پنجشنبه و جمعه ۵ پرنده شکار کنند یعنی هر شکارچی ۱۰ پرنده! که در مجموع می‌شود، دست کم ۲۰۰ هزار پرنده نکته مهم این است که ما باید حداقل یک میلیون پرنده در تهران داشته باشیم که ۲۰۰ هزار پرنده قابل شکار باشد

که مجوز نداشته‌اند موفق به کسب مجوز شوند محدودیت‌ها حتما اعمال خواهد شد.» حمیدظهرایی معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست هم مجوزها را منبعی برای شکارچیان محلی دانسته و می‌گوید: «قیمت پروانه شکار برای شکارچیان داخلی ۱۰درصد قیمتی است که به خارجی‌ها فروخته می‌شود. ۲۰درصد پروانه شکار به جوامع محلی اختصاص می‌یابد که قیمت آن حدود ۶۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان است، بنابراین در این سازه و کار سعی کردیم منافع شکار نصیب شکارچیان جوامع محلی نیز بشود.» تیموری معتقد است که هزینه سفر برای شکارچیان بالاست و بسیاری از شکارچیان با وجود داشتن مجوز شکار نمی‌کنند و می‌گوید: «یکی از ایرادات وارد، حجم بالای مجوزهاست که باید بگوییم همه شکارچیان که مجوز گرفته‌اند اصلا شکار نمی‌کنند و این در حالی است که شکارچیان در جریان سیاست‌ها هستند و می‌دانند نباید گونه‌های در حال انقراض را شکار کنند حتی به شکارچیان گفته شده با اعلام دامپزشکی براساس بیماری آنفلوآنزا، مجوزها لغو می‌شود و پشت مجوزها این مسئله قید شده است.» مدیرکل حفاظت و مدیریت صید و شکار سازمان حفاظت محیط زیست در مورد هزینه دریافت مجوزها می‌گوید: «برای مجوز ۹۰ تا ۱۵۰ هزار تومان گرفته می‌شود که به خزانه دولت وار می‌شود. افزایش سالانه قیمت پروانه شکار باید بر مبنای مصوبات شورای عالی محیط زیست باشد.»

### فکری به حال اسلحه‌ها و شکارچیان غیر مجاز کنیم

سازمان محیط زیست در دفاع از تصمیمش برای صدور مجوزهای شکار پرندگان عنوان کرده است که تصمیم‌گیری بر مبنای سرشماری و آمار دقیق جمعیت پرندگان بوده است. محمدرضامیرزاده‌فعال محیط زیست در این باره به «شهروند» می‌گوید: «آمار پرندگان که وارد کشور ما می‌شوند، چه

برآوردی داریم که تشخیص داده‌ایم دو هزار مجوز بدهیم؟ این تعداد مجوز برای تهران زیاد است. دومین مورد این است که آیا توان نظارت بر این تعداد مجوز را داریم؟ مشکل بعدی این است که ما شکارچی‌های غیر مجاز را داریم و این در حالی است که متاسفانه ما با ضعف‌هایی همچون ضعف اطلاعات، نیروی کم کارشناسی و محیط‌بانان و مسأله‌های بی‌نهار و بهر و هستیم که مدیریت حیات وحش را با مشکل روبه‌رو کرده است.» میرزاده معتقد است که مجوزها در تمام دنیا منبع درآمد محسوب می‌شوند: «مجوز شکار با درآمد منبع درآمد برای مطالعات محیط زیستی و تأمین مالی حفاظت از محیط زیست باشد که این اتفاق در کشورمانی افتد. این پول باید در حقوق محیط‌بانان، مطالعات و حفظ محیط زیست و تجهیزیات خرج شود که تاکنون این طور نبوده، البته با تشکیل صندوق ملی محیط زیست قرار است بعد از این، چنین مسأله‌ای را شاهد باشیم.» مسأله دیگری که تهدیدی اساسی برای محیط زیست به‌شمار می‌رود، تعداد بالای اسلحه‌هاست که بخش اعظمی از آنها مجوز ندارند و بیشتر شکارهای غیر قانونی با آنها صورت می‌گیرد. این فعال محیط زیستی بر این باور است که شکارچیان هم بحث‌هایی را مطرح می‌کنند که قابل تأمل است: «بعضی از شکارچیان مجوز می‌گیرند و شکار نمی‌کنند تا به این واسطه کمکی به محیط زیست کرده باشند، البته بعضی‌ها هم با داشتن مجوز در مناطق مشخص شکار می‌کنند، اما این شکارچی‌های مجوزدار غیرقانونی‌ها هستند که از هیچ بایند نباید و خط قرمز تعبت نمی‌کنند و به واقع به محیط زیست آسیب می‌رسانند.» میرزاده لزوماً صدور پروانه شکار در یک فصل یا ممنوعیتش در یک یا دو سال را ادلیلی بر حفاظت درست یا نادرست محیط زیست نمی‌داند: «در بحث محیط زیست و حفاظت از آن تنها بایستی مجوزها تمرکز کرد، چون مسائل بسیار پیچیده‌ای در موضوع شکار دخیل است؛ بحث فرهنگی، اقتصادی و بهداشتی پروانه شکار یکی از ده‌ها حلقه حفاظت حیات وحش است. ما نمی‌توانیم وزن تمام حلقه‌ها را روی دوش یک فاکتور بگذاریم. مجازات، مسائل فرهنگی، تعداد اسلحه‌های غیر مجاز، حفاظت خارج از فصل شکار، بحث امنیت زیستگاهی همگی مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.»